

بابک کایدان؛ نویسنده سریال «هانکن» در گفت و گو با «صبا»:

# اولویت من ژانر نیست

دلارام صادقی  
گفت و گو

بابک کایدان از نویسندگان جوان سینما و تلویزیون است که در ژانر و سبک‌های متفاوتی کار کرده است. او با نویسندگان متفاوتی از جمله؛ مسعود ده‌تمکی، منوچهر هادی، بهرام بهرامیان و... کار کرده است. کایدان اولین تجربه نمایش خانگی خود را با سریال «هانکن» ساخته حسین سهیلی زاده آغاز کرده و در گفت و گو با «صبا» از دغدغه‌های نویسندگی‌اش و سریال «هانکن» گفته است که در ادامه می‌خوانید.

کاری خوبی را داشته باشیم و از این همکاری راضی هستیم. امیدوارم نتیجه این همکاری منتج به این شود که مردم هم دوست داشته باشند.

«هانکن» مسأله روز جمعه را در قالب قصه‌های مختلف بیان می‌کند مانند زورگویی قدرتمندان به افراد فرودست جامعه، فاصله طبقاتی زیاد و... هنگام نگارش فیلمنامه به چه صورت این داستان‌ها در متن گنجانده شدند؟ چقدر این مسأله ذهن‌تان را درگیر کرده بود و با چه چالش‌های روبه‌رو بودید؟

به عنوان نویسنده وظیفه‌ای داریم؛ در اولین مرحله باید مخاطب را سرگرم کرد و این موضوع برای من اولین اصل است که شاید برای دیگر نویسندگان اندیشه و محتوای کار ملاک اول باشد اما آنچه از سینما آموختم این است که باید با فوت و فن روایت قصه و انتخاب موضوع مخاطب را سرگرم کرد چرا که بعد از آن مخاطب باید پای آن بنشیند. بعد از آن که توانستیم مخاطب را سرگرم و جذب کنیم وارد مرحله بعدی که محتواست می‌شویم. در «هانکن» نیز همین طور است، به یک لایه بیرونی قصه پرداختیم که شیوه روایی در مورد یک درام عاشقانه دارد؛ در مرحله بعدی به این فکر کردیم که باید قصه در بستر اجتماعی بگذرد و مسأله روز مردم نیز در داستان وجود داشته باشد که مخاطبان فکر نکنند این سریال کاری است که دغدغه آن‌ها را ندارد و یا خیلی سطح بالا و برای یک طبقه خاص روایت می‌شود. برای این که این اتفاق رخ نهد ما به سراغ مضمونی که در کشور وجود دارد رفتیم؛ مانند اختلافات طبقاتی و مسأله اقتصادی که در این چند سال اخیر مردم را آزار داده و شاید به اولین دغدغه آن‌ها تبدیل شده است. قصه بر این اساس شکل گرفت و توانستیم بین مضمون، فرم و روایت قصه هماهنگی ایجاد کنیم که نتیجه آن «هانکن» شد. این که کار حتما دارای یک سری مضامین خاص باشد، الزام نیست اما زمانی که آن مضامین به متن اضافه می‌شود مردم دغدغه کاراکترها را بهتر متوجه می‌شوند و احساس می‌کنند مشکلات آن‌ها در یک اثر هنری به رسمیت شناخته شده است. ما هم در سریال «هانکن»

شما تجربیات فراوان فیلمنامه‌نویسی در مدیوم تلویزیون و سینما دارید؛ اما «هانکن» اولین تجربه شما در نمایش خانگی و همکاری با حسین سهیلی زاده است.

بله؛ البته نگارش سریال «دل» را زودتر آغاز کرده بودم اما «هانکن» اولین کار خروجی نمایش خانگی من است. آقای سهیلی زاده به دلیل تجربه بالایی که در حوزه سریال‌سازی دارند در نتیجه با افراد متنوع و نویسندگان گوناگونی کار کرده‌اند. برای اولین تجربه کاری، دوستان و تیم کم‌ملاخ‌فکری جاور فتند، زیرا ممکن بود ما به شکل طبیعی اختلاف نظر داشته باشیم، اما با تعاملی شفاف که بر پایه صداقت و احترام متقابل بود، توانستیم به یک جمع‌بندی نگرش مختلف در کار، هدفمندی محتوا، مضمون و هم‌راستایی برسیم که تجربه خوبی بود. در بخش اعظم کار یعنی در بیشتر از ۸۰ درصد موقعیت‌ها هم‌نظر و هم‌راستا بودیم، البته اندکی هم اختلاف نظر و سلیقه طبیعی است و اگر غیر از این باشد باید به آن کار شک کرد. آقای سهیلی زاده به فیلمنامه احترام می‌گذاشت و وفاداری به آن را حفظ می‌کرد اما نگاه خودش را به شکل کامل داشت و به کار اضافه می‌کرد؛ شکل پخته‌تر و قالب‌تری به تصویرسازی‌ها و شیوه اجرایی ارایه می‌داد و انگیزه بالایی نیز داشت؛ به هر حال کار رسلای اول ایشان در نمایش خانگی بود و دستشان تاحدودی برای دکوپاژی که به آن علاقه داشتند بازتر بود؛ در نتیجه توانستیم با هم یک تجربه

## فاصله تلویزیون با نمایش خانگی یک قدم است

سعی کردیم این دو موضوع را با هم تلفیق کنیم و درستش نیز همین بود که در کار ملودرام اجتماعی این اتفاق بیفتد. شما تجربه‌های بسیاری در تلویزیون داشته‌اید و همان طور که اطلاع داریم در نمایش خانگی به اصطلاح دست نویسنده برای پرداختن به موضوعات بازتر است؛ برای نگارش متن «هانکن» چه اندازه توانستید به خط قرمزها نزدیک شوید و شیوه نگارشی که داشتید با تلویزیون چه تفاوت‌هایی کرده بود؟

فاصله سریال‌های شبکه خانگی با تلویزیون بیشتر از یک قدم نیست. گاهی افسوس می‌خوریم که چرا این سریال‌ها مانند سریال «شهرزاد» نباید در تلویزیون کار شوند. ما از قواعد کلی و جاری کشور که مال وزارت ارشاد و تلویزیون است، تخطی نکرده‌ایم و بر اساس همان‌ها به سمت جلو حرکت کرده‌ایم اما تاحدودی نمایش خانگی فضای بازتری دارد و می‌توانیم اندکی در حوزه نگاه به مسأله یا شخصیت‌پردازی، مسائل را عریان‌تر مطرح کنیم و گزینه‌های مسأله را در تلویزیون هم می‌توان کار کرد. ای کاش که تلویزیون آن یک قدم فاصله را رد می‌کرد، البته که تلویزیون نیز قابل درک است چون طیف مخاطب بسیار گسترده‌ای را در بر می‌گیرد؛ ما هم اگر بخواهیم طیف گسترده‌ای را پوشش دهیم و رضایتشان را جلب کنیم طبیعی است که باید کمی معتدل‌تر و با احتیاط بیشتری قدم برداریم. شبکه نمایش خانگی نیز طبق تلویزیون عمل می‌کند یعنی چیزی خارج از عرف، قواعد جاری و فرهنگی مردم کشورمان نیست.

زمانی که در حال نگارش فیلمنامه بودید و برای هر کاراکتر شخصیت‌سازی می‌کردید انتخاب بازیگر در ذهن‌تان شکل می‌گرفت؟ یا توجه به این که «هانکن» سریالی پر بازیگر است این انتخاب‌های نهایی نتیجه تعامل شما و گروه کارگردانی بوده است؟

طبیعتا نویسنده اولین کسی است که ذهنش بازیگرها و جهان قصه را کامل تر می‌بیند. به طور معمول این گونه بود لیستی از بازیگرها که به ذهن من می‌رسید و به کاراکترها نزدیک بودند را آماده می‌کردم و در اختیار تهیه‌کننده و کارگردان قرار می‌دادم. در مورد آن‌ها گفت و گو می‌شد یعنی کار کم‌ملا یا مشورت گروهی پیش رفت. ما در ۹۵ درصد انتخاب بازیگرها کم‌ملا با هم به نتیجه و این ترکیب رسیدیم.

در مقام نویسنده ژانرهای متعددی را برای نوشتن تجربه کرده‌اید و در کارنامه کاری‌تان کارهای کمدی و اجتماعی بسیاری به چشم می‌خورد. علت این تغییر منام در ژانر شما چیست و آیا علاقه بابک کایدان در این است ژانرهای متنوع را تجربه کند؟

ژانر برای من اولیوی نیست؛ اگر احساس کنم کاری اکنون ذهنم را درگیر کرده یا نیاز مخاطب امروزی است که باید در قالب کمدی باشد، به آن شکل می‌نویسم و یا اگر نیاز دارد به صورت جدی‌تر باشد، داستان را به آن شکل درمی‌آورم. سعی کردم در هر دو قالب مخاطب را راضی نگه دارم و فکر می‌کنم تاحدودی هم این مسئله پیش آمده یعنی اگر بازیابی دریافت می‌کردم که در کمدی مناسبت نیست قطعاً گرایشم را به ملودرام بیشتر می‌کردم یا بالعکس. تاکنون تعادل را در قرار

کردم اما شرایط کاری به این نحو شده که چند کار اخیرم در سینما کمدی و در حوزه سریال به سمت کارهای جدی بوده است. باید دید در سال‌های بعد شرایط چه پیش می‌آید و چه بازخوردی از مردم دریافت می‌کنم. کارهای کمدی که در سینما کار کرده‌ام دغدغه‌مند بوده است؛ مانند فیلم «آینه بغل» که مسأله‌های جدی را عنوان می‌کند یا «رحمان» که یک دغدغه اجتماعی بسیار تلخ دارد و قصه تراژیک است اما من به زبان کمدی آن را بیان کردم.

شما تجربه فراوانی با منوچهر هادی در مقام نویسنده و کارگردان داشته‌اید و سریال «دل» آخرین همکاری شما با او بود که قرار است به زودی در نمایش خانگی پخش شود؛ از این سریال برای ما بگویید.

«دل» نیز مانند سریال «هانکن» یک ملودرام عاشقانه است و فضایی خانوادگی دارد. یک دغدغه فرهنگی در سریال «دل» مطرح است که سعی کردیم در کنار یک قصه عاشقانه به آن مسئله نیز بپردازیم و به دغدغه و شعور مخاطب احترام بگذاریم.

این روزها تاب و تاب نمایش خانگی بسیار است و در طی سال چندین و چند سریال تولید می‌شود؛ از نظر شما جایگاه این سریال‌ها در رسیدن فرهنگی خلواصا چه اندازه است و سالانه چقدر نیاز به تولید این مقدار از نمایش خانگی را داریم؟

نمایش خانگی یک جریان نویلست و رقابت مهم‌ترین ویژگی فضای است که در آن وجود دارد، چون مردم بابت تهیه سریال‌ها هزینه می‌کنند بنابراین اهمیت بیشتری برایشان پیدا می‌کند و ترجیح می‌دهند سریال‌هایی که ارزش و احترام بیشتری را از هر جهت برایشان قائل است، ببینند. فکر می‌کنم این فضای رقابتی که در شبکه نمایش خانگی وجود دارد و به شکل ساده‌ای هم انجام می‌شود، بتواند باعث رشد کیفی شود. توزیع عادلانه‌ای بین سریال‌ها وجود دارد، هر دی‌وی‌دی یک روز در هفته پخش می‌شود و مانند بحث آکران و حواشی سینما که ممکن است در حق فیلمی ظلم شود، نیست متأسفانه تلویزیون از این فضای رقابتی سال‌هایی پهره برده است. در شبکه نمایش خانگی نویسندگان و کارگردانان ما ز به این هستند که قصه و بازیگر خوب انتخاب کنند و کیفیت را بالا ببرند تا بتوانند مشتری مورد نظرشان را پیدا کنند و در این راه موفق باشند. به عقیده من اگر همین روال در نمایش خانگی حفظ شود در سال‌های آینده وارد جریان خصوصی‌سازی حرفه‌ای می‌شویم که با کارهای با کیفیت، مخاطبان وطنی خودمان را راضی نگه داریم.

